

ورود حضرت زهرا سلام الله علیها به مسجد جهت ایراد خطبه

هنگامی که ابوبکر تصمیم نهائی خود را در مورد غصب فدک از حضرت زهرا علیها السلام گرفت و نمایندهی حضرت را از آنجا اخراج نمود و این اخبار به آن حضرت رسید، سر مبارک را پوشانیدند و پوشش کامل بر تن نمودند و با عدهای از زنان خدمتگذار و بانوان خویشاوندانشان برای اعتراض به ابوبکر براه افتادند . هنگام راه رفتن لباس حضرت به زمین کشیده می شد و پایین لباس زیر پایشان می رفت (۱)، و راه رفتنشان چنان بود که گویا پیامبر صلی الله علیه و آله راه می روند .

ابوبکر با عدهی زیادی از مهاجرین و انصار و دیگر افراد در مسجد نشسته بودند که حضرت وارد شدند، و با آمدن حضرت پردهای بین ایشان و مردم آویخته شد. حضرت زهرا علیها السلام نشستند و چنان از سوز دل ناله زدند که قلبها به لرزه در آمد و اشکها جاری شد و مردم را به گریه و ضجه واداشتند و مجلس را منقلب کردند. سپس لحظه ای درنگ نمودند تا صدای ناله های مردم خاموش گردید و از جوش و خروش افتاد . با آرامش مجلس حضرت صحبت خود را با حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز نمودند. مردم با شنیدن کلام آن حضرت بار دیگر شروع به گریه کردند، و حضرت برای بار دوم سکوت کردند، و هنگامی که مردم آرام گرفتند صحبت خود را از سر گرفتند و چنین فرمودند :

متن خطبه فدکیه در مسجد

کلام خود را آغاز می کنم با حمد و سپاس خدائی که به ستایش و فضل و عزت و رفعت از همه کس سزاوارتر است . خداوند را بر نعمتهایی که عطا فرموده می ستایم، و بر الهامش سپاس می نمایم، و بر نعمتهای گسترده ای که ابتداءً عنایت نموده و نعمتهای فراوانی که عطا فرموده و تفضلات بی دریگی که مرحمت کرده ثنا می گویم . او را سپاس می گویم با حمدهای بی پایانی که از حد شمارش بیرون است، و قدرت بر شکر همه ی آنها نیست، و نهایت آنها قابل درک نخواهد بود. نعمتهایی که خداوند برای از دیداد و دوام آنها ما را دعوت به شکرگزاری نموده، و بندگانش را بر فرستادن آنها مطیع خود گردانیده، و برای کامل نمودن بخششهایش از آنان حمد و ستایش خود را خواسته، و در کنار آن به طلب چنین نعمتهائی امر فرموده است .

گواهی می دهیم که معبودی غیر «الله» نیست. تنها او معبود است و شریکی ندارد. کلمه ای است که تأویل آن اخلاص است و متضمن رساندن قلوب به اعتقاد و حدانیت خداست، و آنچه را که عقل به آن پی می برد در اندیشه ها ظاهر نموده است. خداوندی که امکان دیدنش و قدرت توصیف او برای کسی نیست، و به خیال کسی نمی گنجد. خداوندی که تمام اشیاء را بدون آنکه چیزی قبل از آنان باشد بوجود آورده، و بی آنکه از نمونه هایی برای خلقت پیروی کرده باشد آنان را آفریده است. با قدرتش به آنان وجود داده و با اراده ی خود آنان را خلق فرموده، بدون آنکه نیازی به خلقت آنان داشته باشد یا فائده ای به او عائد شود .

بلکه علت در خلقت آنست که حکمت خود را برای ما سواش معلوم بنماید، و آنان را به اطاعت خود متوجه کند، و قدرت خویش را به منصفی ظهور برساند، و دلالت بر ربوبیتش نماید و خلق را به عبادت خود بخواند و به دعوت خود عزت و غلبه بخشد(۲). همچنین برای دوری آنان از عذابش و سوق آنان به بهشتی ثواب را بر اطاعت خود و عذاب را در معصیتش قرار داد.

بعثت پیامبر و مسیر رسالت

و گواهی می‌دهم که پدرم حضرت محمد بنده و فرستاده‌ی اوست، که خداوند او را قبل از خلقتش اختیار نمود، و قبل از بعثتش او را برگزید، و پیش از انتخابش نام او را معرفی کرد. این انتخاب هنگامی بود که مردم در مخفیگاه غیب پنهان بودند و در پی پرده‌های هولناک مستور و به نهایت عدم مقرون بودند .

علت این اختیار آن است که خداوند به سرانجام کارها آگاه و به حوادث روزگار احاطه دارد، و به زمان وقوع مقدرات عارف است. برای اتمام امر خود او را مبعوث گردانید، و به قصد اجرای حکم خود او را برانگیخت، و برای انفاذ مقدرات حتمی خود او را به پیامبری اختیار نمود. آنحضرت مردم را دید که هر گروهی دارای دین مخصوص به خود است، و به آتشیهای افروخته‌ی خود روی آورده و بتان خود را پرستش می‌نمایند، و با آنکه فطرتاً معرفت خدا را دارند ولی منکر او هستند .

آنگاه خداوند متعال به برکت پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظلمت‌ها را به نورانیت مبدل ساخت، و از قلبها؛ قساوت را برطرف نمود، و از دیده‌ها تحریر را زایل کرد، و مطالب مبهم را برای همگان روشن نمود. آن حضرت دعوت الهی خود را با هدف هدایت مردم آغاز کرد و آنان را از گمراهی نجات داد، و از لجاجتها آگاهی بخشید، و آنان را به دینی محکم هدایت نمود، و به راه مستقیم فراخواند .

سپس خداوند عزوجل او را با رأفت و رحمت و اختیار به سوی خود خواند تا او را از خستگی این دنیا آسوده گرداند و سنگینی بار ناملایمات را از او بردارد (۳) ، و او را در احاطه‌ی ملائکه‌ی ابرار و رضوان پروردگار غفار و مجاورت ملک جبار قرار دهد. درود خدا بر پدرم پیام‌آور و امین وحی خدا و برگزیده و منتخب از خلق و مرضی او. درود و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

خطاب حضرت زهرا به مهاجرین و انصار

آنگاه حضرت زهرا علیهاالسلام متوجه اهل مجلس شدند، و خطاب به تمام مهاجران و انصار فرمودند :
شما بندگان خدا پرچم و علم‌أمر و نهی الهی، و در بردارنده‌ی دین و وحی او و پاسداران خدا بر خود هستید، و رساننده‌ی احکام الهی به دیگر امتیایی که در اطراف شما می‌باشید. در بین شما شخصی است که استحقاق زعامت دارد، و او کسی است که قبلاً در مورد اطاعت او متعهد شده‌اید. (۴)

قرآن و اهل بیت

و ما یادگاران‌ی هستیم که خداوند ما را نمایندگان خود بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق و نور تابناک و شعاع درخشنده‌ی است که دلیلهای آن روشن و اسرار آیتش ظاهر است، و با ما دلیل و برهانی است (۵) که ظواهرش متجلی و استماع آن برای مردم همیشگی است (و ملال‌آور نیست)
پیروان او بخاطر آن مورد رشک دیگران هستند، و تبعیت او بشر را به رضوان خدا سوق می‌دهد، و گوش دادن به آن نجات را بدنبال می‌آورد. در او است بیان دلیلهای نورانی الهی، و پنندهای مکرر خداوند، و واجباتی که تبیین شده و محرمانی که از آن منع گردیده، و احکامی که کافی است و ادله‌ای که روشن است و کلماتی که شفافبخش است، و فضائلی که بدان دعوت شده، و اموری که اجازه‌ی انجام آن داده شده، و رحمتی که امید آن می‌رود، و قوانینی که واجب شده است.

حکمت دستورات الهی

پس خداوند ایمان را طهارت شما از شرک قرار داد، و نماز را دوری از کبر، و زکات را صفای روح و زیادی در روزی و روزه را تحکیم اخلاص، و حج را بلندی و رفعت دین و احیای سنتها و اعلان شریعت، و عدالت را نظام قلبها و قبولی دین، و اطاعت ما اهل بیت را موجب نظام داشتن ملت، و امامت ما را امان از تفرق و جدائی، و جهاد را عزت اسلام، و صبر را کمکی بر استحقاق اجر، و امر بمعروف را باعث مصلحت عمومی، و نهی از منکر را برای تنزیه دین، و نیکی به والدین را حفظ از نارضایتی، و صلهی ارحام را مایه طولانی شدن عمر و کثرت افراد یکدل، و قصاص را حفظ خونها، و وفای به نذر را روزنه‌ای برای بخشش گناهان، و کامل نمودن کیل و وزن را برای حفظ اموال از نقص و ضرر، و نهی از نوشیدن شراب را دوری از پلیدی، و پرهیز از نسبت ناروا به بانوان عفیفه را مانع از لعنت، و دوری از دزدی را سبب جلوگیری از اعمال زشت و نخوردن مال یتیم و برداشتن آن را پناهی از ظلم، و نهی از زنا را حفظ از غضب الهی، و عدالت در احکام را مایه‌ی دلگرمی مردم، و ظلم نمودن در حکم را برای ترس از حق قرار داده، و برای اخلاص در قبول ربوبیت خود شرک را حرام نموده است. (۶)

پس تقوای الهی را در بالاترین درجه پیشه‌ی خود بنمائید، و در حالی از این دنیا بروید که مسلمان باشید، و از فرامین خدا روی برنگردانید، و آنچه امر فرموده اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده خودداری کنید، و پیرو علم باشید و بدان تمسک کنید که فقط بندگان آگاه از خدا می‌ترسند. پس حمد و ثنای خدائی را بجا آورید که با عظمت و نورش تمام اهل آسمان و زمین در جستجوی وسیله‌ای بسوی اویند. و ما آن وسیله‌ی الهی در خلقش هستیم، و ما آل رسول خدائیم، و ما مقربان درگاه خدا، و جایگاه قدس او، و حجت غیبی الهی و وارث انبیای اویم.

بدانید من فاطمه ام!

سپس فرمود :

ای مردم بدانید من فاطمه‌ام، و پدرم محمد که فرستاده‌ی پروردگارتان و خاتم پیامبرانتان است. کلام اول و آخر من این است، و در این مطلب اشتباه نمی‌کنم و آنچه که انجام می‌دهم گزاف نیست و سخن به دروغ نمی‌گویم. (۷)

پس با گوشهای شنوا و قلبهای آگاه سخن مرا گوش کنید.

سیر رسالت

آنگاه فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم، فرستاده‌ی خدا نزد شما آمد که از شما بود و تحمل مشقت شما بر او دشوار بود و او نسبت به هدایت شما بسیار پافشاری داشت و نسبت به مؤمنین با رحمت و رأفت بود.

اگر در حسب و نسب او نظر کنید و او را بشناسید می‌باید که در بین تمام زنان او تنها پدر من است، و در بین تمام مردان او تنها برادرِ پسر عموی من (علی علیه‌السلام) است و چه خوب انتسابی است. او رسالت الهی خود را بانجام رسانید و امور باعث عذاب پروردگار را اظهار نمود، و از راه و روش مشرکان روی گرداند (۸)، و از سنت جاهلی آنان اعراض نمود. کمر آنان را در راه رسالتش شکست، و گلوی آنان را فشرده، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت نمود.

بُتان را شکست و سرهای گردنکشان را به خاک افکند، تا آنکه اجتماع آنان را از هم باشید و آنان از صحنه پشت نمودند و نور صبح هدایت ظلمت شرک را شکافت و پرده از حق برداشته شد. زعیم دینی گوینده شد، و آتش کفر خاموش گردید، و زبان شیاطین لال شد و پست فطرتان منافق هلاک شدند، و گره‌های کفر و خلاف از هم گشوده

شد، و شما به کلمه‌ی اخلاص تکلم نمودید با عده‌ای از پاکان که عقیف بودند. شما بر لبه‌ی پرتگاه آتش قرار داشتید که پیامبر الهی شما را نجات داد. شما کسانی بودید که بتان را پرستی می‌کردید، و قمار بازی می‌کردید.

چنان خوار بودید که جرعه‌ی هر نوشنده، و شکار هر طمعکار، و همچون آتشگیره‌ای که بردارنده‌ی آن زیاد توقف نمی‌کند بودید (۹)، و زیر قدمهای دیگران قرار داشتید. آب آشامیدنی شما آب کدر، و خوراک شما پوست دباغی نشده بود. (۱۰) می‌ترسیدید که مردم از اطرافتان ناگهان بر شما حمله کنند.

امیرالمؤمنین در تبلیغ رسالت

تا آنکه خداوند تبارک و تعالی به برکت پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله شما را بعد از این همه سختیها نجات داد، و بعد از آنکه او گرفتار پهلوانان کفار و گرگان عرب و گردنکشان اهل کتاب گردید، هر گاه که آتش جنگ را می‌افروختند خداوند آن را خاموش می‌نمود و هر زمان که قدرت پیروان ضلالت ظاهر می‌شد یا دشمنان مشرک دهان خود را برای از بین بردن شما باز می‌کردند برادرش علی را برای نابودی آنان به عمق دهانشان می‌افکند. (۱۱) او هم تا گوشهای آنان را پایمال نمی‌کرد، و آتش آنان را با تیزی شمشیرش خاموش نمی‌نمود باز نمی‌گشت.

او (علی علیه‌السلام) کسی بود که در راه خدا سختی و مشکلات را تحمل می‌کرد و استقامت از خود نشان می‌داد، و نزدیکترین اشخاص به پیامبر و آقای اولیای خدا بود. در راه خدا کمر همت بسته بود و دلسوزانه و با جدیت و تلاش پیگیر عمل می‌کرد، و در راه خدا سرزنش ملامت کنندگان تأثیری در او نداشت. و این در حالی بود که شما در زندگی راحت و در کمال آرامش و امنیت و نشاط بودید، و در رفاه زندگی خوش می‌گذراندید. غذای لذیذ می‌خوردید و آب زلال می‌نوشیدید و انتظار رسیدن بلاها را بر ما داشتید و منتظر شنیدن اخبار آن بودید! (۱۲) و چون جنگی شدت می‌گرفت خود را کنار می‌کشیدید، و هنگام کارزار و جنگ فرار می‌کردید.

رفتار مردم بعد از رحلت پیامبر

هنگامی که خداوند جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگانش را برای او اختیار نمود و آنچه به او وعده داده بود به اتمام رساند کینه و دشمنی ناشی از نفاق شما ظاهر گردید، و پوشش دین کهنه شد و جامه‌اش مندرس و استخوانش ضعیف گردید، و آن قدرت ضعیف از بین رفت. خشم فروخورده‌ی گمراهان به تکلم در آمد، و گمنام ذلیلان ظاهر شد، و شخص مورد قبول اهل باطل صدا در آورد، و در عرصه‌ی شما قدرت‌نمایی کرد. (۱۳) شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را بسوی خود خواند و شما را دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می‌نمایید و آماده‌ی فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت، و چون شما را بر ضد حق به غضب و خشم در آورد شما را غضبناک دید. پس شتر دیگران را برای خود علامت‌گذاری نمودید و آن را به آبی که از آن شما نبود حاضر کردید. تمام این قضایا در حالی بود که فاصله‌ی زیادی نشده و زخم هنوز وسیع بود و جراحت هنوز التیام نیافته و پیامبر هنوز دفن نگردیده بود! (با نیرنگ و دروغ بر مردم جلوه دادید که حضورتان در سقیفه برای دفع فتنه بوده است). به گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می‌گیرد.

این کارها از شما بعید بود و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می‌گردید، با اینکه کتاب خدا در بین شماست؟! کتابی که آموزش ظاهر و احکامش نورانی و علامتهایش واضح و نواهی‌ش تبیین شده و اوامرش روشن است. به چنین کتاب خدایی پشت نمودید.

وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در آن است حکم کنید؟ بد جایگزینی برای ظالمان است، و کسی که غیر اسلام را به عنوان دین برگزیند از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده‌ی آن که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیز مه‌های آن و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنت‌های پیامبر برگزیده نمودید.

به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالی که در باطن به نفع خود عمل می‌کنید و نسبت به اهل بیت و فرزندان‌ش با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید (۱۴) ما در مقابل اذیت‌های شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فروبرند!

فدک و ارث

و شما اکنون معتقدید که ارثی و نصیبی برای ما اهل بیت نیست! آیا در پی حکم جاهلیت هستید؟! و چه حکمی بهتر از حکم الهی برای گروهی است که یقین دارند؟ آیا نمی‌دانید؟! البته که همچون آفتاب تابنده برای شما روشن است که من دختر اویم. از شما مسلمانان بعید است! آیا ارث پدرم به‌زور گرفته شود؟

ای پسر ابوقحافه، آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث بیری ولی من از پدرم ارث نبرم؟ مطلبی تعجب‌آور و متحیرکننده آورده‌اید که از روی جرأت بر قطع رحم رسول‌الله و شکستن پیمان چنین اقدامی کرده‌اید! آیا از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر خود افکندید؟ آنجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و سلیمان از داود ارث برد» (۱۵) و آنچه حکایت نموده از قضیه‌ی یحیی و زکریا آنجا که می‌فرماید: «پروردگارا... فرزندی به من عنایت فرما که از من و از آل یعقوب ارث ببرد» (۱۶) و فرموده: «و خویشان میت بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا در ارث بردن تقدم دارند» (۱۷) و فرموده: «خداوند در رابطه‌ی با اولادتان سفارش می‌نماید که فرزندان پسر دو برابر فرزندان دختر ارث می‌برند» (۱۸) و فرموده: «اگر میت چیزی بعد از خود باقی بگذارد برای والدین و خویشان به نیکی وصیت نماید، این حقی است که متقین باید آن را انجام دهند.» (۱۹)

گمان نمودید بهره‌ای از ارث برای من نیست و از پدرم ارثی به من نمی‌رسد و بین من و پدرم نسبتی نیست؟! آیا خداوند شما را به آیه‌ای اختصاص داده که پدرم را از آن خارج نموده است؟ یا می‌گوئید ما اهل دو مذهب هستیم که از یکدیگر ارث نبریم؟! آیا من و پدرم هر دو اهل یک مذهب نیستیم؟! یا اینکه شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم (علی علیه‌السلام) آگاه ترید؟

اکنون که فدک را نمی‌دهی این مرکب زین و افسار شده‌ی آماده را بردار تا در قبر همراه تو باشد و روز قیامت وبال آن گریبان‌ت را بگیرد. خداوند خوب حکم‌کننده‌ای و حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله خوب زعیمی و قیامت خوب وعده‌گاهی است. بعد از مدت کوتاهی پشیمان می‌شوید، و در روز قیامت اهل باطل زیان می‌کنند، و زمانی

پشیمان می‌شوید که برای شما نفعی ندارد، و برای هر خبری زمان وقوعی است، و بزودی می‌فهمید عذاب خوار کننده گریبان چه کسی را می‌گیرد و چه کسی است که عذاب دائمی بر او نازل می‌شود.

خطاب به پیامبر (ص)

سپس حضرت نظری به مرقد پدر افکند و بغض گلویش را فشرده و در ضمن ابیاتی از شعر چنین فرمود:
ای پدر! بعد از رحلت تو واقعه‌های بزرگ و قضایای مشکلی واقع شد، که اگر تو شاهد آن بودی مصیبت برایمان بزرگ نمی‌آمد.

ما همچون زمینی که باران فراوان را از دست دهد تو را از دست دادیم، و قوم تو فاسد گردیدند. پس شاهد آنان باش و غائب مباش. و برای هر اهلی مزیت و برتری بر دیگر نزدیکان نزد خدای متعال است. آن هنگام که تو رفتی و خاک بین ما و تو حایل شد مردمانی کینه‌های خود را بر ما ظاهر نمودند.
اکنون که تو از بین ما رفته‌ای و تمام زمین غصب شده مردم با چهره‌ی گرفته با ما روبرو می‌شوند و ما خوار شده‌ایم، و بزودی در روز قیامت باعث ظلم خانواده‌ی ما می‌فهمد که به کجا باز می‌گردد.
تو همچون ماه چهارده شبه و نوری بودی که از تو کسب نور می‌شد و کتابهای آسمانی از طرف خدای با عزت بر تو نازل می‌گردید.

و جبرئیل با آوردن آیات الهی با ما انس داشت و با رفتنت در تمام خیرها را بست. شهر من با آن وسعتش بر من تنگ شده و دو سبط تو خوار گشتند که در این برای من بلایی است.

ای کاش قبل از رفتن تو مرگ با ما روبرو می‌شد هنگامی که تو از پیش ما رفتی و تلی از خاک مانع از تو شد. ما مبتلا به مصیبت از دست رفتن عزیزی شدیم که هیچ محزونی از مردم چه عرب و چه عجم به رفتن چنین عزیزی مبتلا نشده است.

پس هر اندازه که در این دنیا زندگی کنیم و تا زمانی که چشمهایمان باقی است برای تو با اشکی ریزان گریه می‌کنیم.

سپس این اشعار را در ددل نمود:

تا روزی که تو زنده بودی حمایت‌کننده‌ای داشتیم و با آسودگی رفت و آمد می‌نمودم و تو بال من و یاورم بودی، ولی امروز در برابر فردی ذلیل خاضع شده‌ام و از او فاصله می‌گیرم و به دست خود ستمگران را دور می‌کنم.
در حالی که فُمری از روی غصه، شبانه روی شاخه‌ای گریه می‌کند، من در روز روشن بر مصائبم اشک می‌ریزم.

خطاب به انصار

سپس حضرت نگاهی به جانب انصار نمودند و فرمودند:

ای یادگاران زمان پیامبر، و ای یاوران دین و پناه‌دهندگان اسلام! این چه سستی است در یاری من و چه ضعفی است در کمک به من و چه کوتاهی است درباره‌ی حق من و چه خوابی است که در مورد ظلم به من شما را فراگرفته است؟! آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پدرم نمی‌فرمود: «حُرمت هر کسی را نسبت به فرزندانش باید نگاه داشت»؟
چه زود کار خود را کردید، و عجب زود به کاری که زمانش نرسیده بود اقدام نمودید!

و شما قدرت کمک به آنچه من طلب می‌کنم و قوت برگرفتن آنچه در پی آن هستم و می‌خواهم دارید. آیا به راحتی می‌گویند «محمد رسول خدا از دنیا رفت»؟ (۲۰) بخدا قسم این واقعه‌ای مهم است که شکافی عظیم و

گسیختگی گسترده‌ای همراه داشت، و التیام‌دهنده‌ی آن مفقود بود. با غیبت پیامبر زمین تاریک گردیده، و برگزیدگان الهی محزون گشته‌اند، و در مصیبت او آفتاب و ماه گرفته و ستارگان پراکنده شدند. با رحلت او امیدها به یأس مبدل شد، و اموال غارت شد و حریم آنحضرت از بین رفت، و حرمت او مورد اهانت قرار گرفت. با رفتن او امت در فتنه افتادند و ظلمت همه جا را فراگرفت و حق از بین رفت.

بخدا قسم رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بلیه‌ی بسیار بزرگ و مصیبت عظیم است که مصیبتی مثل آن و حادثه‌ی ناگواری همچون آن در دنیا نخواهد بود و به این مصیبت عظمی کتاب خدا در خانه‌هایتان و در هر صبح و شام آگاهی داده و به آن در گوشه‌هایتان با ندا و فریاد و خواندن و فهماندن خبر داده است.

و همچنین خبر داده از آنچه که به انبیای الهی و فرستادگان خداوند در گذشته رسیده که حکم‌نهایی و قضا و قدر حتمی است. (آنجا که فرموده: «و نیست محمد مگر فرستاده‌ی خدا که قبل از او پیامبران آمده‌اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود به جاهلیت خود برمی‌گردید و مرتد می‌شوید؟ کسی که مرتد شود به خداوند ضرری نمی‌رساند، و خداوند شکر گزاران را پاداش می‌دهد.» (۲۱)

ظلم به فاطمه در انظار مردم

از شما بعید است ای پسران قیله! (۲۲) آیا در ارث پدرم به من ظلم شود در حالی که شما حال مرا می‌بینید و صدای مرا می‌شنوید و اجتماعتان منسجم است و ندای نصرت‌طلبی من به شما می‌رسد، و آگاهی بر مظلومیت من همگی شما را فراگرفته است؟! این در حالی است که شما هم تدارکات و افراد و هم خانه و سرپوش و هم وسیله و قدرت و هم اسلحه و وسیله‌ی دفاع دارید. فراخوانی من به شما می‌رسد ولی پاسخ نمی‌دهید! و فریاد من به شما می‌رسد ولی به دادخواهی نمی‌آیید!

شما متصفید به این که بر دشمن بدون سپر و زره حمله می‌کنید و به خیر و صلاح شناخته شده‌اید. و شما کسانی هستید که به عنوان برگزیده‌ی خدا و منتخب او برای ما اهل‌بیت انتخاب شده‌اید. و همان کسانی هستید که با عرب به مبارزه برخاستید و خود را وارد امور سخت گردید و متحمل سختی و زحمت شدید و با امتها به جنگ برخاستید و پهلوانان را بدون سستی دور نمودید.

ما و شما چنان بودیم که شما را امر می‌کردیم و شما اطاعت می‌کردید، تا بوسیله‌ی ما برای شما موقعیت پا برجایی بدست آمد، و توسط ما آسیاب اسلام برای شما به گردش در آمد، و برکات روزگار (۲۳) به جریان افتاد، و تکیه شرک به ذلت کشیده شد، و جوشی دروغ ساکن گردید، و آتش جنگ خاموش گشت، و دعوت به فتنه و آشوب آرام گرفت، و دین در اجتماع شکل گرفت.

با امامان کفر بکنید!

بعد از این سوابق، حال بعد از روشن شدن حق به کجا می‌روید، و بعد از آنکه بیان شده بود، و بعد از اعلان حق کجا آن را پنهان کردید، و چرا بعد از این اقدامات به گذشته‌ی خود رجوع نمودید و بعد از ایمان مشرک شدید، و بعد از شجاعت ترسیدید از گروهی که بعد از پیمان بستنشان سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعنه وارد نمودند.

با امامان کفر جنگ کنید که آنان پایبند به سوگندهایشان نمی‌باشند، تا شاید از کارهای خود برگردند. آیا با گروهی که سوگندهای خود را نادیده گرفتند و قصد بیرون نمودن رسول الهی را دارند کارزار نمی‌نمایید، و حال

آنکه آنان ابتدا شروع به جنگ نمودند؟ آیا از آنان هراس دارید؟ خداوند سزاوارتر است که از او بترسید اگر مؤمن هستید.

خواری حق به دست مردم

آگاه باشید! بخدا قسم شما را می بینم که به زندگی راحت میل نموده اید، و کسی که سزاوار منصب حل و فصل امور است از جایگاهش دور نمودید، و تن به راحتی در داده اید، و از جای وسیع به جای تنگ پناه آورده اید، و از دین برگشتید و آنچه را که حفظ می کردید دور افکندید، و چیزی را که به آسانی خورده بودید برگردانید. اگر شما و تمام کسانی که در زمین هستند کافر شوند خداوند از همه ی آنها بی نیاز است و خداوند سپاس شده است.

آیا خبر کسانی که قبل از شما از قوم نوح و عاد و ثمود و اقوامی که بعد از اینان آمدند به شما نرسیده؟ قضایای آنان را جز خدا نمی داند که رسولان الهی با بینات به سوی آن اقوام آمدند، ولی آنان دستهای خود را در دهان خود گذارده و گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده اید کافریم، و ما در آنچه ما را بسویش می خوانید در شک و تردید هستیم.

نفرین بر کسی که دختر پیامبر را خوار کند

نفرین بر کسی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را خوار کند

من گفتم آنچه گفتم در حالی که می دانم یاری نکردن وجودتان را فرا گرفته و بی وفائی همچون لباسی بر قلبهای شما پوشیده شده است. ولی این سخنان بخاطر بر لب رسیدن جانم بود، و آهائی بود که برای خاموش نمودن آتش غضبم کشیدم، و سستی تکیه گاهم بود و ضعف یقین شما است و اظهار غصه ی سینه ام است که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم و برای اتمام حجت بود

. پس شتر خلافت را بگیرید و با طناب، رَحْل (۲۴) آن را محکم به شکم آن ببندید، در حالی که کمر آن شتر مجروح شده و استخوانهایش شکسته و پاهایش ضعیف شده و کف پاهایش نازک گردیده و عیب آن همیشه باقی است. به غضب خدای جبار و ننگ ابدی علامت گذاری شده، و پیوسته به آتش الهی روشن است. آتشی که بر قلبها اثر می گذارد و در عمودهای کشیده بر آنان ملازم شده است. آنچه انجام می دهید نزد خداوند محفوظ است و به زودی کسانی که ستم کردند می فهمند به کجا می روند.

من دختر پیامبران هستم!

من دختر کسی هستم که شما را از عذاب شدیدی که در پیش دارید ترسانید. پس همگی درباره ی من حيله بکار بندید و به تأخیر نیندازید! شما کار خود را بکنید که ما هم در کار خود هستیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم. پروردگارا بین ما و قوممان به حق حکم کن و تو بهترین حکم کننده هستی و به زودی کفار خواهند دانست که عاقبت کار به نفع کیست. و بگو عمل کنید که به زودی خدا و رسول و مؤمنین عمل شما را می بینند و نامه ی اعمال هر انسانی را برگردن او آویخته ایم. بنابراین هر کس به اندازه ی ذره ای عمل خیر انجام دهد نتیجه اش را می بیند و هر کس ذره ای عمل شر انجام دهد نتیجه اش را خواهد دید. و گویا کار چنین مقدر شده است.

.....